

شکل‌گیری فضاهای مسکونی در کرمانشاه ۹۵-۱۳۷۵

(با تأکید بر مسکن مهر و سکونت‌گاه‌های غیررسمی)

سیاوش قلی‌پور* ، جلیل کریمی** ، گلاویژ صادقی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲

چکیده

این مقاله تلاش می‌کند که شکل‌گیری فضاهای مسکونی شهری کرمانشاه را در دو دهه (۱۳۷۵-۱۳۹۵) بررسی کند. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر آرای لغور در باب تولید فضا است. روش تحقیق کیفی و تکنیک گردآوری داده‌ها مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد است. یافته‌ها نشان می‌دهند که در طی این دو دهه شهر در جهات مختلف به‌ویژه شمال شرقی، شمال غربی، جنوب غربی و شرق رشد برون‌زا داشته‌اند. رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت روستاییان و ساکنان سایر شهرهای استان به کرمانشاه از مهم‌ترین دلایل رشد شهر در این دوره هستند. سه فرایند در شکل‌گیری فضای مسکونی این دوره نقش داشته است: نخست، سیاست‌های مسکن مهر که

gholipoor.sia@gmail.com

jkarimi^{۷۹}@gmail.com

sadeghi.gelare@gmail.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول).

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه رازی.

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه رازی.

سبب رشد شهرک‌های پردیس، دولت‌آباد، دانش و کیهانشهر شد. این شهرک‌ها به پراکندگی و ازهم‌گسیختگی فضای شهری دامن زدند، همچنین به دلیل کمبود امکانات زیرساختی و فضای عمومی، عاری از حیات شهری هستند و هویت محله‌ای در آن‌ها شکل نگرفته و افراد در خانه‌های خویش محبوس‌اند. دوم، رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی دره‌دراز، نوکان، کرناچی و ده‌پهن است که به‌رغم عدم وجود زیرساخت‌ها و فقر امکانات از پویایی بیشتری در زندگی روزمره برخوردارند. سوم، کارکردهای اقتصادی و فراغتی فضاهای مسکونی جدید که تعامل آن‌ها را با بازارچه‌ها داخل شهر اجتناب‌ناپذیر ساخته است. همچنین سکونت‌گاه‌های غیررسمی سبب رشد پدیده کوچه نشینی به‌مثابه تاکتیکی برای مقاومت در برابر کمبود فضای فراغت شده است.

واژه‌های کلیدی: تولید فضا، سکونت‌گاه‌های غیررسمی، فضا، کرمانشاه،

مسکن مهر

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی شهری داشتن مسکن مناسب است. مترژ کافی، نور، امکانات، دسترسی به خدمات، فرآیندهای توسعه، روندهای سرمایه، مداخلات طراحان و سیاست‌گذاران، تاریخ، سیاست‌گذاری و عوامل متعدد دیگری در کیفیت آن نقش‌آفرینی می‌کنند. چنانچه خانه افراد سرشار از معنا، خاطرات و مراقبت از یکدیگر باشد می‌توان آن را «خانه» یا محل سکونت نامید، اما اگر افراد بدان دلبستگی نداشته باشند و آن را به‌مثابه محل گذر تلقی کنند و هر آن به فکر ترک آنجا باشند دیگر نمی‌توان آن را خانه نامید، بلکه خوابگاه و یا محل گذر نامیدن آن مناسب‌تر است. افراد بدان احساس تعلق ندارند و در راستای اعتلا، حفظ و نگهداری آن نمی‌کوشند. کمبود مسکن مشکل شهرنشینی در جهان امروز است. عوامل مختلفی مانند افزایش جمعیت

شکل‌گیری فضاهای مسکونی در کرمانشاه ... ۷۷

(که به دلیل مهاجرت‌های بی‌رویه و رشد طبیعی بود)، ناکارآمدی مدیریت شهری، کمبود منابع و فقر در آن نقش دارند. امری که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را مجبور به چاره‌اندیشی در رفع آن کرده است اما کماکان این مشکل پابرجاست. بلندمرتبه‌سازی، رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی و یا حتی مسکن مهر اقداماتی در راستای حل این مشکل بوده‌اند؛ راه‌حلی که در مقاطع زمانی مختلف مطرح شده‌اند. این موارد با وجود مفید بودن، مشکلات خود را نیز به همراه داشته‌اند. ایران در قرن گذشته رشد جمعیت شهری زیادی را از سر گذرانده است. جمعیت شهرنشین ۳۷/۹ درصدی سال ۱۳۴۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این میزان در استان کرمانشاه شدت بیشتری داشته است. جمعیت ۳۴/۳ درصدی سال ۱۳۴۵ به مرز ۷۵/۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است (ج ۱).

جدول ۱- رشد جمعیت شهری و روستایی در ایران و استان کرمانشاه

۱۳۹۵		۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		استان کرمانشاه اه کل کشور
روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	
۲۴/۸	۷۵/۲	۳۰/۲	۶۹/۸	۳۳/۳	۶۶/۷	۳۸/۳	۶۱/۷	۴۳/۸	۵۶/۲	۵۶/۹	۴۳/۱	۶۵/۷	۳۴/۳	
۲۶	۷۴	۲۸/۵۶	۷۱/۴۳	۳۱/۵	۶۸/۵	۳۸/۷	۶۱/۳	۴۵/۷	۵۴/۳	۵۳	۴۷	۶۲/۱	۳۷/۹	

منبع: سرشماری نفوس و مسکن

تهیه مسکن برای این جمعیت دشوار بوده و چالش‌های بزرگی را رقم‌زده است. هر جا که تمرکز جمعیت بیشتر بوده مشکل بیشتری نیز وجود داشته است. طبق آمار سرشماری ۱۳۹۵، ۶۴/۵ درصد جمعیت شهری استان کرمانشاه در شهر کرمانشاه ساکن

هستند. جمعیت ۱۲۵۰۰۰ نفری سال ۱۳۳۵ هم‌اکنون به مرز یک میلیون نفر رسیده است. تهیه مسکن برای این جمعیت مسئله جدی این شهر در سال‌های اخیر بوده است (قلی پور، ۱۳۹۱). شهرک‌سازی‌های متعدد و متوالی در دهه‌های گذشته برای پاسخگویی به این نیاز بوده است. از طرفی بخش عظیمی از جمعیت شهری توان دستیابی به مسکن مناسب به طرق رسمی و قانونی را نداشته‌اند. آن‌ها به شیوه‌های غیررسمی در گستره شهرها و یا در جاهای دورافتاده، منزل خویش را بنا نهاده‌اند، بخش عظیمی از تاریخ شهرنشینی در ایران تاریخ تهیدستان شهری و مواجهه آن‌ها با کمبود مسکن است (بیات ۱۳۷۷؛ قلی پور ۱۳۹۳).

در دو دهه گذشته مطالعات اندکی در باب فضا‌های مسکونی در کرمانشاه صورت گرفته است و آگاهی ما در این زمینه اندک است و فرآیندهای تأثیرگذار بر آن مشخص نیست. این مقاله تلاش دارد تا شکل‌گیری فضای شهری (به‌ویژه فضای مسکونی) کرمانشاه در فاصله زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ را بررسی کند. بنابراین تلاش می‌کند به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- رشد کالبدی شهر در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ چگونه است؟
- طرح مسکن مهر و سکونت‌گاه‌های غیررسمی چه تأثیری بر رشد شهر دارند؟

پیشینه پژوهش

برخی از مطالعاتی که در زمینه موضوع مقاله حاضر انجام شده در ادامه بررسی شده است.

اسدی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «ارزیابی سیاست‌های دولتی تأمین مسکن در مورد گروه‌های کم‌درآمد شهری (مطالعه موردی شهر زنجان)» به بررسی موضوع مسکن مهر به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم توسعه و سیاست‌های تأمین مسکن دولتی گروه‌های کم‌درآمد پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق، سیاست‌های دولتی تأمین مسکن با وجود کاهش اسکان غیررسمی، توجه چندانی به ویژگی‌های اقتصادی و

اجتماعی گروه‌های کم‌درآمد نداشته و این جریان موجب عدم پیشرفت این طرح شده است.

مبین (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل سیاست‌گذاری‌های عرضه مسکن اقشار کم‌درآمد در کشور با تأکید بر مسکن مهر (نمونه موردی شهر سنندج)» به بررسی روندها و عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری‌های بخش مسکن و زمین شهری و تجزیه و تحلیل پیامدهای ناشی از این سیاست‌گذاری‌ها پرداخته است. روش تحقیق پژوهش توسعه‌ای- کاربردی بوده و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پروژه مسکن مهر با مشکلاتی از جمله نبود برنامه‌های مدون و بلندمدت به منظور تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد و یا مقطعی بودن برنامه‌ها و ناکافی بودن وام و یارانه‌ها و حجم اعتبارات بانکی در بخش مسکن نسبت به تقاضای مسکن اقشار کم‌درآمد مواجه بوده است.

بیرانوند (۱۳۹۰) در پژوهشی با موضوع «بررسی نقاط ضعف و قوت واگذاری مسکن مهر و ارائه راهکارهای اصلاحی برای نیل به اهداف تعیین شده (مطالعه موردی شهرستان خرم‌آباد)» به منظور بررسی اهداف و برنامه‌های مسکن مهر و ارائه برنامه‌های اصلاحی، به بررسی نقاط ضعف و قوت واگذاری واحدها از جنبه دسترسی به اهداف اصلی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی از طریق روش پیمایش پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دسترسی به اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی در حد متوسط، دسترسی به اهداف اجتماعی در حد متوسط به پایین و دستیابی به اهداف فرهنگی در حد بسیار ضعیف است.

داری‌پور (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی پیامدهای اجتماعی جدایی‌گزینی مکانی-فضایی مسکن مهر (مطالعه موردی شهر امیدیه)، از طریق روش توصیفی-تحلیلی به بررسی طرح مسکن مهر پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ساکنان مسکن مهر در فقر نسبی به سر می‌برند و بیش از نیمی از متقاضیان دارای ریشه شهری می‌باشند. ساکنان طرح مسکن مهر سکونت در این مکان را نوعی برچسب

اجتماعی تلقی می‌کنند. از سویی اکثر ساکنان از سکونت در مساکن مهر رضایت ندارند. سطح ناامنی و ناهنجاری نیز در مساکن مهر کمتر از حد متوسط است.

زارع گاریزی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «ارزیابی طرح مسکن مهر بر اساس معیارهای سکونت‌گاه‌های پایدار» با استناد به رویکرد سیستمی به این نتیجه دست یافت که مساکن مهر به مجتمع‌های خوابگاهی با مکان‌یابی غیرکارشناسانه و فاصله بسیار زیاد از مراکز شهری و محل اشتغال تبدیل شده‌اند و همچنین تأخیر در ساخت واحدها و عدم در نظر گرفتن کیفیت محیط در ساخت مسکن مهر، موجب عدم موفقیت طرح شده است.

قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌های توسعه و فضای شهری در کرمانشاه ۱۳۴۵-۱۳۳۵» به بررسی تأثیر شرایط اقتصادی- اجتماعی بر سازمان‌دهی فضایی در کرمانشاه پرداخته‌اند. رویکرد نظری مقاله مبتنی بر نظریات هانری لفرور بوده و داده‌ها از طریق تکنیک‌های مشاهده و بررسی اسناد جمع‌آوری شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که برنامه‌های عمرانی سبب گسیختگی فضایی در روابط دیرینه شهر- روستا شده‌اند. موضوعی که سبب جابجایی جمعیت از روستا به شهر و به دنبال آن تغییرات فضایی شده است. در درون شهر نیز فرایندهای توسعه، نامتوازن بوده‌اند و شهر را به سمت قطبی شدن (فقیر/غنی) پیش برده‌اند.

قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بازگشت طردشدگان، ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کرمانشاه» با استفاده از تکنیک‌های بررسی اسناد، مشاهده و مصاحبه و چارچوب نظری مبتنی بر آرای میشل دوسرتو، به بررسی روند ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کرمانشاه پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اصلاحات ارضی سبب مهاجرت از روستاهای اطراف به کرمانشاه شده است. شهر که به لحاظ اقتصادی ظرفیت پذیرش مهاجران را نداشته، مهاجران مجبور شده‌اند که به تصرف عدوانی زمین‌های بایر در نقاط دورافتاده، تصرف خزنده، بازتقسیم زمین و... روی آورند و به شیوه غیررسمی به ساختن سرپناهی برای خود بپردازند که این سکونت‌گاه‌های غیررسمی خودساخته به لحاظ دسترسی به امکانات، در وضعیت مساعدی نمی‌باشند.

کریمی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی تاریخی و جمعیت‌شناختی سکونت‌گاه‌های غیررسمی کرمانشاه پرداخته‌اند. در این پژوهش ۱۳ مورد از این سکونت‌گاه‌ها با استفاده از روش‌های اسنادی و آماری بررسی شده است؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که: وسعت محلات حاشیه‌نشین از ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۰ حدود ۱۴ برابر افزایش یافته است؛ از نظر کالبدی در یک دهه اخیر، بهسازی صورت گرفته است؛ از نظر فرهنگی، در ترکیب زبانی، قومی و مذهبی بافت‌ها تغییری دیده نشده، موارد پیشین متراکم‌تر و باثبات‌تر شده‌اند؛ جمعیت این مناطق در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ اندکی کاهش یافته است. در مقایسه با محله‌های مرفه شهر، جمعیت کمتر از ۱۵ سال، جمعیت فعال، نرخ باسوادی مردان، جمعیت فاقد همسر و مهاجرفرستی در مناطق مسئله‌دار بیشتر است. این مناطق، در زمینه وقوع جرم از نظر آماری، برخلاف تصور عمومی، به‌جز در مورد جرم‌های مربوط به مواد مخدر، وضع چندان نامساعدی ندارند. در موارد غیر از مواد مخدر، تصور میزان امنیت زندگی در این محلات برای ساکنان آن‌ها با آنچه ساکنان محلات دیگر، از جمله محلات برخوردارتر و مرفه‌تر درباره آن‌ها در سردارند متفاوت بوده و ارزیابی ساکنان از امنیت، عموماً بالاتر است. در مجموع این مناطق را می‌توان از لحاظ وضعیت کالبدی به سه دسته تقسیم کرد: سطح ۱ (وضعیت نامناسب): دولت‌آباد، آناهیتا؛ سطح ۲ (وضعیت نگران‌کننده): شامل شاطرآباد، باغ ابریشم، حکمت‌آباد، چقاگلان؛ و سطح ۳ (وضعیت بحرانی): شامل چقاکبود، نوکان، دره‌دراز، جعفرآباد، کولی‌آباد، چمن و صادقیه.

این مطالعات دلایل شکل‌گیری فضای شهری را توضیح نداده‌اند. اما ارزیابی مبسوطی از این طرح را ارائه داده‌اند و به ناکامی‌هایی مانند عدم توجه به وضعیت اقتصادی فرودستان، نداشتن برنامه‌های بلندمدت، برچسب‌زنی، ناامنی اجتماعی، عدم دسترسی به اهداف اجتماعی و فرهنگی، مکان‌یابی غیر کارشناسانه و تبدیل شدن آن‌ها به مکان‌های خواب اشاره کرده‌اند. همچنین برخی از این مطالعات به شکل‌گیری فضای مسکونی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در کرمانشاه پرداخته‌اند.

مبانی نظری

مسکن و یا فضای سکونت امری داده شده نیست بلکه در درون فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی ساخته می‌شوند. پارادایم‌های مختلفی مانند اکولوژی شهر، مدیریت گرایی شهری و اقتصاد سیاسی در این باره بحث کرده‌اند (بنگرید به سوندرز، ۱۳۹۴). در پارادایم اخیر به‌طور جدی به شکل‌گیری فضای شهری توجه شده است. در این رویکرد هنری لُفور^۱ (۱۹۹۱) در کتابی با عنوان «تولید فضا» رابطه فضا و شهرنشینی را در درون شیوه تولید بسط و گسترش داده است. از نظر وی فضای (اجتماعی) یک محصول (اجتماعی) است. «هر جامعه‌ای در چارچوب شیوه تولید مشخصی به وجود می‌آید و همراه با ویژگی‌های عجیب و غریب ذاتی این چارچوب، فضای خودش را صورت می‌بخشد». (Lefebvre, ۲۰۰۹: ۱۸۷) شیوه تولید پیش‌سرمایه‌داری (جوامع اولیه بدون دولت، برده‌داری، فئودالیسم و تولید آسیایی) و سرمایه‌داری هر کدام فضاهای خاص خود را دارند. «یک شیوه تولید صرفاً در صورتی قوام می‌گیرد و شایسته این نام است که فضای (و زمان اجتماعی) مشخصی را به وجود آورد» (Lefebvre, ۲۰۰۹: ۲۱۷). با وجود این، تولید فضا صرفاً مبتنی بر شیوه تولید اقتصادی نیست بلکه کنشگران و معانی که آنان در زندگی روزمره به محیط خود می‌دهند نیز در این فرآیند نقش دارند. به همین دلیل لُفور معنای گسترده‌ای از تولید و فضا را مدنظر دارد. تا قبل از وی دو تصور از فضا وجود داشت: فضای ذهنی و فیزیکی. «اولی در حیطه نظام‌های فکری و دومی در طبیعت و ادراک حسی قرار داشت اما لُفور مفهوم فضای اجتماعی را اضافه کرد که در ارتباط با نیروهای تولید است» (Lefebvre, ۱۹۹۱: Chapter one). وی از یک‌سویه‌نگری پرهیز کرد و سازندگان شهرها را صرفاً شهرسازان و برنامه‌ریزان نمی‌داند بلکه همسو با آنان نقش مردم عادی، متصرفان عُدوانی، زنان، کودکان، گروه‌های فرودست شهری و اعمال فضایی افراد را جدی ارزیابی می‌نماید. تولید فضا به‌طور

۱. Lefebvre, H

هم‌زمان حاصل دیالکتیک سه بُعد است که درهم‌تنیده‌اند و به‌مثابه شبکه‌ای از روابط هستند. «این دیالکتیک مبتنی بر سه لحظه با ارزش یکسان است که در قالب روابط گوناگون و حرکات پیچیده باهم مرتبط می‌شوند» (اشمید، ۱۳۹۳: ۷۵). سه بعد تأثیرگذار بر تولید فضا عبارت‌اند از: بازنمایی فضا^۱، فضای بازنمایی^۲، عمل فضایی^۳. به‌این ترتیب فضا را به سه شیوه می‌نگریم، به‌مثابه امری درک شده، تصور شده و زیست شده.

جدول ۱- سه‌گانه مفهومی لفور و چارچوب‌های مرتبط

انسان	معرف‌ها	ابعاد سه‌گانه (فضای فیزیکی/تجربه)	حوزه
بدن من / بدن تو ↑ ↓	مسیرها، مقصدها، راه پیدا کردن، شیوه‌های حمل‌ونقل	عمل فضایی	فیزیکی (طبیعت)
	بوییدن، دیدن، شنیدن، چشیدن، لمس کردن، حرکت کردن، حضور به هم رسانیدن، جدا کردن ^۴	فضای برداشت شده	
	نقشه‌ها، گفتمان‌ها، مفاهیم، روش‌ها، مدل‌ها، نظریه‌ها، رشته‌های آکادمیک	بازنمایی فضا	ذهنی (انتزاعیات)
ذهن من / ذهن تو ↓ ↑	اندیشیدن، تعمق کردن، نظام‌مند ساختن، خیال کردن ^۵ ، تصور کردن، تفسیر کردن، اندازه‌گیری کردن، دسته‌بندی کردن	فضای انگاشت شده	صوری درباره (فضا)
	خانه، قبرستان، جشنواره ^۶ ، مزرعه، اداره، بنای عمومی ^۷	فضای بازنمایی	اجتماعی (تعاملات)
تجربه مستقیم من / تجربه مستقیم تو	زندگی کردن در لحظه، دوست داشتن، ترسیدن، خلق کردن، شهادت دادن، ملحق شدن به، شناختن محدودیت‌ها، عضویت یافتن	فضای زیست شده	انسانی

منبع: ۱۳۳: ۲۰۰۸، Crap

۱. Representations of space
۲. Representational spaces
۳. Spacial practice
۴. dissociating
۵. ideating
۶. festival
۷. public monument

بُعد نخست «همان فضای مفهوم‌سازی شده، فضای دانشمندان، برنامه‌ریزان، شهرسازان، زیربخش‌های تکنوکراتیک و مهندسين اجتماعی به‌عنوان سنخ خاصی از هنرمندان با یک تمایل علمی است» (Lefebvre, ۱۹۹۱: ۳۸). این بُعد ذهنی، اندیشیده شده و مبتنی بر بازنمایی است. «هر بازنمایی ایدئولوژیک است» (Lefebvre, ۱۹۷۶: ۲۹) و نقشی پرکتیکال بر حفظ منافع طبقاتی دارد. بنابراین فضا صوری و خشتی نیست، در خلأ وجود ندارد بلکه سیاسی و دارای محتوای تاریخی است. برنامه‌ریزی آن را به‌مثابه ابژه‌ای علمی (عینی و ناب) مطرح می‌کند و آن را وسیله‌ای می‌داند «که می‌توان برای فروش به‌سان کالا بازنمایی، همگن، تقسیم و برای منظورهای خاص، بخش‌بندی و تفکیک کرد» (Zieleniec, ۲۰۰۷: ۸۱). برنامه‌ریزی، ذهنیتی عقلانی، از بالا همراه با رویکردی علمی و تکنیکی است و به سلطه و نگاه یکسان‌ساز کمک می‌کند. چگونگی بازنمایی فضا پیامدهایی برای چگونگی استفاده از آن دارد. برنامه‌ریزی برای کنترل و سلطه گروهی بر گروه دیگر از طریق محدود کردن تماس و کنش‌های اجتماعی و یا از طریق تفکیک و جداسازی نقش‌آفرینی می‌کند. «درنتیجه پتانسیل برای تعارض بر کنترل بازنمایی‌های فضا همان پتانسیل تضاد بین طبقات یا شکاف‌های اجتماعی است» (Zieleniec, ۲۰۰۷: ۸۴).

بُعد دوم، در تقابل با لحظه اول، به فضای زیسته مردم مرتبط است. «ابداعات ذهنی رمزگان، نشانه‌ها، گفتمان‌های فضایی، برنامه‌های یوتوپایی، چشم‌اندازهای خیالی و حتی ساخت‌های مادی مانند فضاها، نمادین، محیط‌های ساخته‌شده خاص، نقاشی‌ها، موزه‌ها و نظایر آن هستند که معانی و امکان‌های جدیدی را برای اعمال فضایی تصور می‌کنند» (Harvey, ۱۹۹۰: ۲۱۸-۲۱۹). در این بُعد، مردم تصمیم می‌گیرند که به مکانی حیات شهری بپوشند. آن‌ها از طریق زبان، نمادها و دوگانه‌های مختلفی مانند مقدس/غیر مقدس، آبرومند/بی‌آبرو، زشت/زیبا و نظایر آن سپهر اجتماعی شهر را می‌سازند. این بُعد «فضا را به‌مثابه امری می‌بیند که در طول زمان و به‌واسطه استفاده، تولیدشده و تغییر کرده است؛ فضایی آکنده از نمادگرایی و معنا فضای دانش غیررسمی،

فضا به‌سان امری واقعی و تصور شده» (الدن، ۱۳۹۳: ۷۷). کنشگران این عرصه تعداد بی‌شماری از افراد هستند که عامدانه و مبتنی بر تصمیم خاصی این کار را انجام نمی‌دهند. آن‌ها به جهان خویش معنا می‌بخشند و آن را به خانه و سکونت‌گاهی تبدیل می‌کنند که خاطرات را حفظ و از یکدیگر مراقبت می‌کنند. این بعد از سه‌گانه لُفور تحت تأثیر اندیشه هایدگر (۱۳۷۷) در مقاله «بنا کردن، سکنی گزیدن و اندیشیدن» است. با این‌که فضای زیسته تحت تأثیر عقلانی سازی، اندازه‌گیری و مداخلات بعد اول است اما پتانسیل‌های زیادی برای به چالش کشیدن آن و استفاده‌های خلاقانه دارد. فضای بازنمایی، فضای ساکنان و استفاده‌کنندگان است.

بعد سوم، در بردارنده هم‌نشینی نزدیکی میان واقعیت شهری (راه‌ها و شبکه‌هایی که مجموعه مکان‌های جدا شده از هم برای کار، زندگی خصوصی و اوقات فراغت) و واقعیت روزانه (روزمرگی) است. به بیان دیگر، اعمال فضایی و زندگی روزمره از طرفی تحت تأثیر بعد عقلانی و همگون ساز بازنمایی فضا و از طرفی متأثر از خلاقیت‌ها و پتانسیل‌های زندگی روزمره هستند، فرآیندهای تفکیک و فضا‌های مصرف تولید شده از طریق برنامه‌ریزان ساکنان را از هم جدا و بیگانگی را حاکم می‌سازند. لُفور (۱۹۷۱) در نقد زندگی روزمره نشان می‌دهد «ایدئولوژی مصرف از طریق استراتژی از مد/افتادگی افراد را مجبور به مصرف و از طریق استراتژی خیال^۱ آن‌ها را با شرایط منطبق می‌سازد. این مکانیسم اعمال فضایی را در راستای بعد اول و سرکوب زندگی روزمره پیش می‌برد» (۱۹۷۱: ۷۲-۸۸). از نظر لُفور «هیچ سیستم کنترلی هرگز نمی‌تواند مطلق و تام باشد» (Merrifield, ۲۰۰۶: ۲۶). لحظه^۲ و کارناوال می‌توانند شرایط ملالت‌بار زندگی روزمره را به چالش بکشند. دوسرتو (۱۳۸۲) در مقاله «قدم زدن در شهر» خلاقیت کنشگران در این بعد را از طریق معنا سازی و تاکتیک‌های مؤثر در نادیده گرفتن نظم شهرسازان را بسط و گسترش داد.

۱. Make believe
۲. moment

سه‌گانه‌های لُفور هم به جنبه فیزیکی (مکان‌ها، فرآیندهای انضمامی تولید و مصرف، نشانه‌ها، نمادها و تصاویر) و هم به تجارب زیسته (خلاقیت‌های انسانی، احساسات، افکار، تخیلات و نگرش‌ها) و هم کردارهای آن‌ها توجه دارند. این سه بعد تعیین‌کننده شکل‌گیری فضای شهری هستند.

روش‌شناسی

روش بررسی مقاله کیفی است. روش‌های کیفی دارای انواع مختلفی هستند. در این مقاله از روش‌شناسی «سه مرحله‌ای لُفور استفاده خواهد شد: ۱- توصیف ۲- تحلیل و بازنگری ۳- تبیین سیر تکوینی» (مریفلد).

توصیف: چه چیزی دارد رخ می‌دهد؟ که پاسخ به این پرسش از راه مشاهدات تجربی توصیفگر مسئله است؛

تحلیل و بازنگری: چرا رخ می‌دهد؟ پاسخ به این پرسش به شکلی واقع‌بینانه و روشن با دوری از هرگونه ابهام از طریق استدلال قیاسی به جزء بینی دقیق از علل رخداد مسئله می‌رسد؛ پژوهشگر در این بخش با استناد به منابع موجود از جمله کتب، مقالات، نقشه‌ها و عکس‌های هوایی به بررسی چرایی موضوع می‌پردازد.

جدول ۲- مراحل تحقیق و تکنیک‌های گردآوری داده‌ها

مراحل	یافته‌ها	تکنیک‌های گردآوری داده
توصیف	تغییرات فضایی دو دهه ۱۳۷۵-۱۳۹۵	مشاهده، اسناد
تحلیل و بازنگری	دلایل رشد شهر	اسناد، برنامه‌های توسعه، طرح جامع
تبیین سیر تکوینی	سازمان‌دهی فضایی شهر	مشاهده، اسناد (نقشه)، مصاحبه، تجربه زیسته

تبیین سیر تکوینی: چگونه در حال ادامه یافتن است؟ پاسخ به این پرسش با مطالعه تغییرات وضعیت و تأثیرات، مسئله را با توجه با امور وابسته ارزیابی می‌کند و ساختار یا مدلی مفهومی از آن ارائه می‌کند.

جامعه مورد مطالعه: شهر کرمانشاه و محلات و بافت‌های مسکونی که از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ در آن رشد کرده‌اند، جامعه مورد مطالعه است.

تکنیک گردآوری داده‌ها: تکنیک‌های مختلفی مانند مشاهده، بررسی اسناد، مصاحبه و تجربه زیسته برای گردآوری داده به کار خواهند رفت. بنا بر شرایط لازم و مراحل تحقیق طبق جدول زیر از تکنیک‌های گردآوری داده استفاده خواهد شد.

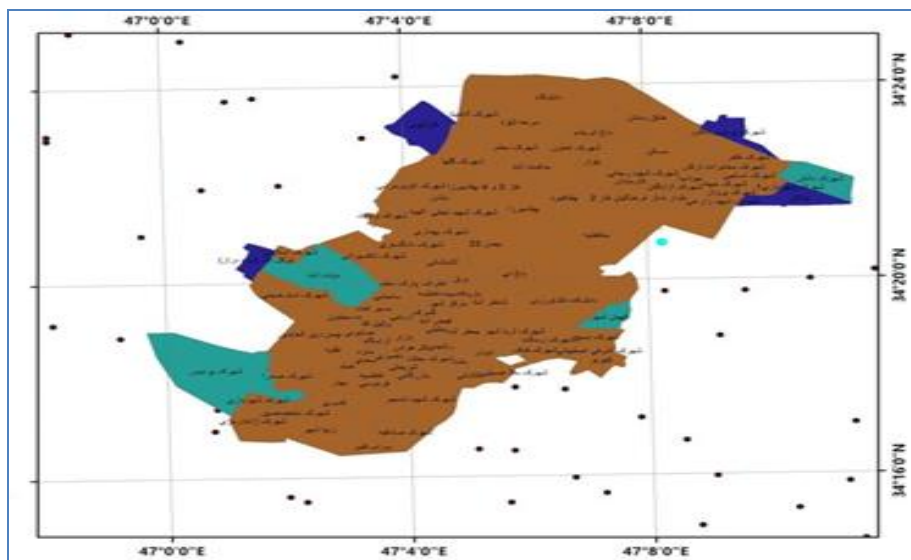
تکنیک تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه و تحلیل در روش کیفی فرایندی پیچیده، درهم‌وبرهم و وقت‌گیر است در این مقاله روش پنج مرحله‌ای ذیل در تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۱. سازمان‌دهی داده‌ها
۲. طبقه‌بندی داده‌ها، موضوع‌های اصلی و الگوها
۳. آزمون فرضیه با توجه به داده‌ها
۴. جستجو برای توجیه‌های مختلف این داده‌ها
۵. نوشتن و تهیه گزارش (مارشال، راسمن ۱۳۸۱: ۱۵۷).

تغییرات فضای شهری از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵

بر اساس داده‌های سرشماری جمعیت ۶۹۳۱۵۷ نفری کرمانشاه در سال ۱۳۷۵ به ۹۴۶۶۵۱ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این میزان حاکی از آن است که حدود ۲۵۳۴۹۴ نفر به جمعیت شهر اضافه شده است. بدون شک این افزایش جمعیت سبب رشد و گسترش شهر شده است. بخشی از این رشد در دو دهه اخیر به صورت عمودی از طریق آپارتمان‌سازی در محلات الهیه، ۲۲ بهمن، فرهنگیان، کارمندان و کسری رخ داد که مدنظر ما نیست. اما بخش دیگری به صورت رشد افقی و گسترش شهر در اطراف رخ داده است که تلاش می‌کنیم آن را توضیح و سازوکار شکل‌گیری آن را شرح دهیم. با نگاهی به نقشه شماره ۱ متوجه می‌شویم شهر از چهار نقطه شرق و شمال شرقی و غرب و جنوب غربی گسترش چشمگیری داشته است.

نقشه ۱- گسترش محلات شهر کرمانشاه ۱۳۷۵-۱۳۹۵



منبع: داده‌های میدانی ۱۳۹۶

محله‌های نوکان، دانش و ده‌پهن در بخش شرق و شمال شرقی، کرناچی در شمال غرب، دره‌دراز در غرب و پردیس در جنوب غرب ایجاد شده‌اند. دو پویش شهرک‌سازی و سکونت‌گاه‌های غیررسمی در این رشد دیده می‌شود که از سال ۱۳۴۴ آغاز شده و تاکنون ادامه دارند.

جدول ۳- شهرک‌سازی‌ها و سکونت‌گاه‌های غیررسمی از ۱۳۹۰-۱۳۴۰

سکونت‌گاه‌های غیررسمی	شهرک‌سازی‌ها	
جعفرآباد، کولی‌آباد، شاطرآباد، دولت‌آباد	۲۲ بهمن، آناهیتا، الهیه	دهه‌های ۴۰ و ۵۰
چقاگلان، چقامیرزا، قلعه‌کهنه، مرادحاصل، سرخه‌لیژه، کیهانشهر	شهرک معلم، تعاون، فرهنگیان، کارمندان	دهه‌های ۶۰ و ۷۰
کرناچی، ده‌پهن، دره‌دراز، نوکان	دانش، تکاور، پردیس، کیانشهر، دولت‌آباد	دهه‌های ۸۰ و ۹۰

منبع: قلی‌پور، ۱۳۹۱

برخی از این محله‌ها در سال ۱۳۷۵ وجود داشته‌اند اما جمعیت چندانی نداشتند ولی در این دو دهه کاملاً رشد کرده‌اند. در ابتدا شهرک‌ها و پس‌از آن سکونت‌گاه‌های غیررسمی را معرفی می‌کنیم.

شهرک‌ها

شهرک پردیس: این شهرک تازه احداث شده با قدمتی ده‌ساله در جنوب غربی کرمانشاه و در قسمت غربی میدان آزادگان واقع است که جمعیت آن ۲۰۳۶۱ نفر و خانوارهای ساکن در آن ۵۲۰۷ خانوار می‌باشند. شهرک‌های ژاندارمری و زیباشهر در جنوب و شهرک صدرا در شرق آن قرار دارند. شهرک پردیس در دهه اخیر جزء یکی از محلات پرجمعیت شهر بشمار می‌آید که اجرای طرح مسکن مهر نیز باعث افزایش جمعیت آن شده است. به‌رغم جمعیت زیاد و تمکن مالی بالای سکنه آن، زیرساخت‌های زندگی شهری مانند: معابر مناسب و فضای سبز کافی در آن رعایت نشده است. مسکن مهر این شهرک پروژه‌ای ۵۰۰۰ واحدی است که به‌صورت ۱۵ طبقه و ۱۰۰ واحدی احداث شده‌اند که مشکلاتی اعم از شلوغی این ساختمان‌ها، عدم وجود امکانات تفریحی، فرهنگی و بهداشتی مناسب موجب انصراف بسیاری از کارمندان مشمول طرح و در دسترس قرار گرفتن آن‌ها برای مردم عامه باقیمتی بیشتر از مساکن مهر سایر شهرک‌ها شده است. با اجرای طرح و در دسترس قرار گرفتن واحدها اعتراضاتی مبنی بر بالا بودن قیمت واحدهای این شهرک نسبت به سایر شهرک‌ها صورت گرفت که از دلایل این امر می‌توان به خودمالک بودن پروژه و خریداری این زمین توسط تعاونی سازنده اشاره کرد. ساکنان معتقدند که توجه به زیرساخت‌های مناسب، محوطه‌سازی و فضا‌سازی دلیل گران‌تر بودن قیمت واحدهای مسکونی در این شهرک است. با این وجود مشکلات زیادی در این شهرک وجود دارد.

«وضعیت مسکن مهر پردیس از نظر دوری راه و نبود آسفالت محوطه

خروجی بسیار اذیت کننده است. درون محوطه خط تاکسی ویژه برای

رفت و آمد ساکنان وجود ندارد و سالمندان و زنان باردار از این نظر خیلی اذیت می‌شوند، مثلاً کسانی که وسیله نقلیه شخصی ندارند برای رفتن به درمانگاه اول شهرک مجبورند تمام مسیر را تا درب خروجی پیاده بروند. مبلغ کرایه نیز طوری است که واقعاً خط اتوبوس ویژه مسکن مهر لازم است» (زن ۲۷ ساله ساکن مسکن مهر پردیس).

مدیران پروژه معتقدند که امکانات زیرساختی پروژه کامل بوده و نقصی در این رابطه وجود ندارد و کمبودهای موجود به دلیل عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این محلات جهت ساخت درمانگاه، مرکز خرید و... است.

شهرک دولت‌آباد: شهرک دولت‌آباد در شمال غربی شهر کرمانشاه قرار دارد که از شمال و شرق محدود به اراضی کشاورزی، در شرق محدود به شهرک کارگاهی دیزل‌آباد و از سمت غرب و جنوب محدود به اراضی کشاورزی است. بخشی از این شهرک قدیمی است و قدمت آن به دهه ۴۰ و تشکیل اولین سکونتگاه‌های غیررسمی در کرمانشاه برمی‌گردد. علاوه بر حاشیه‌ای بودن این شهرک که می‌تواند عامل اصلی پرجمعیت بودن آن باشد اجرای طرح مسکن مهر نیز به این مسئله دامن زده است. مسکن مهر شهرک دولت‌آباد یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های طرح مسکن است که با توجه به رضایت مردم از نحوه ساخت آن‌ها می‌توان گفت که واحدها نسبت به دیگر شهرک‌ها ساخت بهتری دارند، اما زیرساخت‌های شهری لازم را ندارد؛ معابر نامناسب، امکانات بهداشتی نامساعد و کمبود فضای سبز از جمله مشکلات آن هستند.

«دلیل این که مسکن مهر دولت‌آباد را به عنوان یکی از محله‌های نامناسب می‌شناسند وجود اقشار ضعیف و البته بیشتر زنان بیوهای هستند که از طرف کمیته امداد و یا بهزیستی به اینجا آمده‌اند. همه خانواده‌ها را نمی‌شود به یک چشم نگاه کرد. مثلاً اگر در یک بلوک یک خانواده خوب نباشد اسم کل بلوک بد در می‌رود» (زن ۳۵ ساله ساکن مسکن مهر دولت‌آباد).

قیمت مسکن مهر دولت‌آباد پایین است به همین دلیل اقشار فرودست بیشتری در آن حضور دارند و آسیب‌های اجتماعی سکونت‌گاه‌های غیررسمی (ایراندوست ۱۳۸۶) در آن تسری پیدا کرده است، این موارد، محله را با داغ ننگ روبرو ساخته است.

شهرک کیهانشهر: این شهرک در شرق کرمانشاه و در جوار شاطرآباد واقع شده است که در جنوب آن شهرک‌های سجادیه، بسیج و رسالت قرار دارند. شهرک کیهانشهر با ۱۲۷۴۹ نفر جمعیت و ۳۳۲۲ خانوار سکونتگاه بیشتر تهی‌دستان شهری و غالباً لک‌زبانان است. در این شهرک فضای عمومی وجود ندارد با این وجود جزء محلات سکونتگاه غیررسمی محسوب نمی‌شود زیرا زمین‌های این شهرک از طرف دولت به صورت قانونی واگذار شده است. نزدیکی این شهرک به بافت مرکزی شهر سبب شده است که آن از حالت اقماری خارج و جزء بافت اصلی شهر قرار گیرد. البته عدم پویایی اقتصاد شهری، بیکاری و فضای قطبی شهر این شهرک را در معرض فروغلتیدن به جدایی‌گزینی قرار داده است. شهرک کیهانشهر نیز از جمله شهرک‌های بستر طرح مسکن مهر در کرمانشاه است که پروژه ۱۳۷۶ واحدی مهر در آن اجرا شده است. در این شهرک نیز همچون سایر شهرک‌ها پروژه مسکن اقشار کم‌درآمد با محدودیت‌هایی مواجه است که از جمله آن می‌توان به نامناسب بودن مکان احداث به دلیل نزدیکی به قبرستان، عدم وجود فضای سبز و نزدیکی به محله‌های جرم‌خیز اشاره کرد.

شهرک دانش: این شهرک در شمال شرقی شهر و شمال شهرک نوکان و بخش شرقی شهرک ظفر قرار دارد و اوج شکل‌گیری آن به احداث مسکن مهر برمی‌گردد. بدین معنا که تقریباً با اجرای طرح مسکن مهر بود که در این شهرک ساخت‌وسازها شدت گرفت و به عنوان یکی از شهرک‌های پرجمعیت کرمانشاه بشمار آمد. جمعیت این شهرک ۱۷۳۴ نفر (۴۴۴) خانوار است. به مانند دیگر شهرک‌ها عدم وجود فضای سبز، کم‌آبی و زیرساخت‌های نامناسب از مشکلات آن محسوب می‌شوند.

سکونت‌گاه‌های غیررسمی

ده پهن: ده پهن روستایی از توابع بخش مرکزی کرمانشاه است که در دهستان درودفرمان قرار دارد. این روستا امروزه در داخل محدوده شهری قرار گرفته و یکی از محلات شهر بشمار می‌آید. بر اساس مصوبه شورای عالی معماری و شهرسازی کشور مبنی بر این‌که روستاهای بالای ۳۵۰۰ نفر جمعیت از حاشیه به متن شهر منتقل شوند روستاهای ده پهن به مجموعه بافت شهری پیوست. با وجود این‌که گسترش شهر این روستا را نیز در بر گرفته اما همچنان ساکنان آن از روستایی بودن محله معترض‌اند چراکه اجرای خدمات شهری در آنجا در سطح حداقل است به طوری‌که بیشتر مساکن محله انشعاب آب، برق و گاز ندارند و به صورت غیرقانونی از این امتیازات استفاده می‌کنند. اخیراً اقداماتی در رابطه با آسفالت معابر اصلی در شهرک صورت گرفته است اما فضا سازی همچنان بسیار ضعیف است. از دیگر مشکلات این محله ناامنی، بوی بد رودخانه آبشوران، عدم وجود امکانات بهداشتی و سیستم حمل‌ونقل است.

دره‌دراز: شهرک دره‌دراز در جنوب محور دولت‌آباد- کوزران ایجاد شده است. قبل از انقلاب هیچ نشانه‌ای از این شهر نبود و به تدریج بر روی اراضی کم بازده توسط کردهای قلخانی و سنجابی پا گرفت. قیمت ارزان زمین‌های دره‌دراز عامل جذب جمعیت بود. بنگاه‌های محل که دارای سابقه زیادی در محله هستند معتقدند که قیمت زمین در این محله در سال ۱۳۷۵ حدوداً ده هزار تومان بوده است. اکنون این شهرک به‌عنوان یکی از شهرک‌های حاشیه‌ای شهر با ۷۶۹۷ نفر جمعیت و ۱۸۷۴ خانوار ثبت شده است. مشاهدات حاکی از آن است که هیچ‌گونه امکاناتی در این محله نیست.

کرناچی: این محله با ۸۹۲۰ نفر جمعیت و ۲۳۷۰ خانوار در قسمت غربی جاده سندج واقع است که در همسایگی شهرک‌های آناهیتا، معلم و آزمایش قرار دارد. شهرک کرناچی از جمله سکونت‌گاه‌های غیررسمی تازه احداث شده در شهر است که در گذشته به‌عنوان روستا در خارج از شهر قرار داشته است. تقریباً از اوایل دهه هشتاد به دلیل افزایش جمعیت شهری و پایین بودن قیمت زمین شهرک، بسیاری از مهاجران

شکل‌گیری فضاهای مسکونی در کرمانشاه ... ۹۳

روستایی که عمدتاً بیکار و یا از دسته کارگران فصلی بودند به ساختن سرپناه البته به صورت غیررسمی در آنجا اقدام نمودند. در چند سال اول از حداقل امکانات اولیه بی بهره بودند. ساخت این منازل با مشکلات عمده‌ای مواجه بود، به طوری که شهرداری بارها اقدام به تخریب آن‌ها کرده است. کوچه‌ها و معابر نامناسب که همه خاکی بودند در زمستان‌ها که بارندگی موجب ایجاد گل می‌شد معضل بزرگی برای رفت و آمد ساکنان بشمار می‌آمد. عدم وجود مدرسه و درمانگاه در سال‌های اولیه احداث شهرک، نبود مرکز خرید و شرایط لازم جهت تهیه نیازهای اولیه زندگی ساکنان بسیاری از آن‌ها را مجبور به ترک منازل خود کرد. اما از اوایل دهه ۹۰ اقداماتی در جهت آسفالت معابر و احداث مراکز بهداشتی و فرهنگی مانند درمانگاه و مدرسه با امکانات بهتر در آنجا صورت گرفت. با این وجود این محله از تمام امکانات و زیرساخت‌ها محروم است



عکس ۱- عدم وجود معابر نامناسب در کرناچی

نوکان: در منتهی‌الیه شمال شرقی کرمانشاه در شمال بزرگراه است. این شهرک در گذشته جزء روستاهای پیرامون شهر بوده و امروزه یکی از سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای و فقیرنشین است. بیشتر ساکنان این محله لک‌های صحنه، کنگاور، هرسین و بیستون هستند البته عده‌ای از فقرای شهری نیز در این محله ساکن هستند. سکونت ۱۳۵۴۰ نفر جمعیت و ۳۶۵۰ خانوار گواهی بر پرجمعیت بودن شهرک است اما با این وجود بسیاری از امکانات و خدمات شهری در آنجا در سطح پایین است. کوچه‌ها و معابر تنگ و باریک، عدم جود امکانات بهداشتی و فرهنگی، حضور ارادل‌و‌اوباش، افزایش ناامنی، نام این شهرک را به‌عنوان یکی از محلات پرخطر و جرم‌خیز در اذهان عمومی حک کرده است.

دلایل رشد شهر

عوامل مؤثری مانند تغییرات رضاخانی (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵) اصلاحات ارضی (قلی‌پور ۱۳۹۳)، جنگ تحمیلی (آمایش سرزمین ۱۳۹۶) در رشد شهر کرمانشاه در قرن حاضر نقش داشته‌اند. اما در دو دهه اخیر عوامل دیگری مانند رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت روستا به شهر در این زمینه مؤثر بوده‌اند.

رشد طبیعی جمعیت: به دلیل بالا رفتن سطح امنیت و همچنین امکانات بهداشتی و درمانی است.

مهاجرت روستا به شهر: غیر از رشد طبیعی، مهاجرت نیز عامل مهمی در افزایش جمعیت شهری است و به دلایل گوناگونی صورت می‌گیرد. «اشاعه خدمات بهداشتی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و نیز ورود تکنولوژی جدید و مکانیزه شدن کشاورزی از علل تشدید مهاجرت روستاییان به نقاط شهری بوده است» (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۲). داده‌ها نشان می‌دهد که علل مهاجرت روستا به شهر عبارت‌اند از: ۱) خشکسالی و کمبود آب در روستاها؛ در سال‌های اخیر که کرمانشاه با بحران کم‌آبی مواجه شده است سطح

زمین‌های زیر کشت جهت کشاورزی و تولید محصول و به دنبال آن شرایط درآمدزایی نیز کاهش یافته است که این جریان عامل مهمی در مهاجرت روستا به شهر است. (۲) کمبود درآمد در روستاها: از جمله دلایل این امر می‌توان به کاهش تعداد نیروی انسانی در روستا و عدم سرمایه‌گذاری بر روی زمین‌های کشاورزی اشاره کرد. به طوری که در بسیاری از روستاهای استان سطح قابل توجهی از زمین‌های کشاورزی به صورت بایر مانده‌اند. (۳) بیکاری و عدم وجود شغل در مناطق روستایی: استان کرمانشاه به طور کلی با مشکل کمبود اشتغال مواجه است بنابراین روستاها نیز از این قاعده مستثنا نیستند و هر ساله تعداد بسیاری از مهاجران روستایی در پی یافتن شغل به شهر می‌آیند. امروزه این امر بسیار راحت صورت می‌گیرد و بسیاری از روستاییان حتی می‌توانند رفت‌وآمد هر روزه به شهر داشته باشند. (۴) گرایش به مصرف و زندگی شهری: این موضوع که در سال‌های اخیر به یکی از عوامل مهم در مهاجرت روستا-شهری در نظر گرفته شده است به گرایش روستاییان به شهر به علت وجود امکانات بهداشتی، رفاهی، خدماتی و فرهنگی در شهر و تلاش برای شهری شدن اشاره دارد. (۵) تفاوت سطح زندگی روستا و شهر: از آنجاکه روستاها هم به لحاظ درآمدی و هم به لحاظ سبک زندگی در سطح پایین‌تری از شهر قرار دارند بنابراین روستاییان باهدف دستیابی به امکانات شهری اقدام به مهاجرت می‌کنند.

در دوره مورد مطالعه محدوده شهرها توسط طرح‌های جامع مسدود شد و در کرمانشاه نیز اجازه دست‌اندازی شهر به دشت‌های اطراف محدود و واگذاری و تقسیم زمین توسط تعاونی‌ها نیز غیرممکن شد.

سازمان‌دهی فضایی شهر

بازنمایی فضا (سیاست‌های مسکن مهر): این بعد تأثیر گسترده‌ای در شکل‌گیری فضای شهری دارد. دولت به همراه روندهای سرمایه از طریق طرح‌ها و برنامه‌های کلان

مانند طرح جامع در این عرصه تأثیرگذار است. روی هم رفته مسکن اقشار کم درآمد همواره با سیاست‌های گوناگون مدنظر بوده است. با این حال چاره‌اندیشی در این خصوص را می‌توان در قالب دو رویکرد اساسی تبیین کرد:

رویکرد اول: سیاست زمین حمایتی است که به دهه اول بعد از انقلاب تا پایان برنامه دوم مربوط می‌شود که در قالب این سیاست، زمین به صورت انفرادی و تعاونی باقیمت منطقه‌ای واگذار شد.

رویکرد دوم: سیاست مسکن حمایتی است که در دوره برنامه سوم شکل گرفت و بحث قانون استیجار و احداث و واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک در آن مطرح شد.

در زمینه عملکرد سیاست مسکن حمایتی آمارها حاکی از آن است که تولید کل واحدهای استیجاری دولتی با منابع داخلی و استیجاری خصوصی تنها حدود ۱۲۰ هزار واحد بوده است. بنابراین عملکرد این سیاست با برنامه آن تفاوت معناداری دارد. عدم جامعیت سیاست‌های بکار گرفته شده در زمینه مسکن کم‌درآمدها با اتکا به مطالعات طرح جامع مسکن در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ بیش از پیش آشکار شد. وجود حدود ۳/۵ میلیون خانوار فاقد مسکن ملکی که از این تعداد ۵۰ درصد متعلق به چهار دهک اول درآمدی بودند بر این امر صحنه می‌گذاشت. از سوی دیگر در مطالعه طرح جامع که سند راهبردی اجرای آن در سال ۱۳۸۵ تدوین و نهایی شد، ۵۵ برنامه در قالب ۹ محور پیش‌بینی شده بود که یکی از برنامه‌های آن در محور مسکن گروه‌های کم‌درآمد، برنامه واگذاری حق بهره‌برداری از زمین موسوم به مسکن مهر بود.

مسکن مهر به منظور ایجاد زمینه و بسترسازی برای تأمین مسکن مناسب برای آحاد ملت و به ویژه اقشار کم‌درآمد، تقویت نقش حاکمیتی دولت در امر تأمین مسکن و در راستای حصول به عدالت اجتماعی و توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد با رویکرد تقویت تعاونی‌های مسکن، خیرین مسکن‌ساز و نهادهای حمایتی، حصول مدیریت یکپارچه و منسجم، کاهش سهم زمین در قیمت تمام شده واحد مسکونی و حمایت و

هدایت انبوه‌سازی، در قالب بند «د» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور با پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی به‌عنوان متولی برنامه‌ریزی و هدایت بخش مسکن، تهیه و در اردیبهشت ۱۳۸۶ به تصویب هیأت وزیران رسید. گروه هدف این برنامه نیز اشخاص فاقد مسکن ملکی دهک‌های درآمدی پایین و میانی تعیین شد که با توجه به فاکتورهایی از جمله: عدم سابقه استفاده از امکانات دولتی، فاقد زمین یا مسکن ملکی بودن، پنج سال سابقه سکونت در شهر موردتقاضا و متأهل یا سرپرست خانوار بودن، از متقاضیان ثبت‌نام به عمل آمد.

دولت زمین‌هایی را به‌صورت رایگان برای ساخت‌وساز در نظر داشت و با در اختیار قرار دادن آن‌ها در دست پیمانکاران و مهندسان و برنامه‌ریزان شهری، سیاست‌های اعطای مسکن اقشار پایین و بدون مسکن جامعه را اجرا نمود. در قالب این طرح در شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت زمین‌های وقفی و دولتی در نظر گرفته شد و مساکن به‌صورت آپارتمانی و طی اقساط چندماهه در اختیار بسیاری از مردم قرار گرفت. هرچند که طرح با مشکلاتی ازجمله افزایش قیمت مسکن و مقروض شدن دولت به بانک مرکزی و افزایش تورم، افزایش پیش‌قسط‌های مقررشده و به دنبال آن اعتراضات متقاضیان، قرار گرفتن زمین‌های بستر طرح در حومه شهرها و عدم وجود شرایط مساعد فضایی مواجه بود اما در قالب آن بسیاری از خانوارهای فاقد مسکن صاحب‌خانه شدند. نتیجه آن شکل‌گیری شهرک‌های دولت‌آباد، پردیس، کیهانشهر و شهرک دانش بود. این رشد و توسعه، اراده‌گرایانه و از بالا بر ساختار شهر تحمیل شد. در این روند به هارمونی، پذیرش، پیوستگی فضایی، نیازمندی‌های شهروندان و کیفیت زندگی توجه نشد. آنچه که مهم بود ساخت مسکن بود آن‌هم به هر شیوه‌ای که بتواند پاسخگوی نیازها باشد.

مهم‌ترین مشکل این طرح تشدید چندپارگی و یا گسیختگی بیشتر شهری در کرمانشاه بود. «موانع طبیعی (تپه‌ماهور، رودخانه و مسیل) و مصنوعی (تأسیسات نظامی، مشاغل مزاحم، قبرستان، شرکت نفت) کرمانشاه را به شکل شهری چندپاره درآورده

است که در نتیجه آن امکان یکپارچگی و انسجام اجتماعی کم‌رنگ شده است» (قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۷) افزون بر این تمایزات اجتماعی و فرهنگی با این تکه‌پارگی منطبق است و مرزهای نفوذناپذیری را در شهر به وجود آورده است. انتظار می‌رفت که ساخت مسکن مهر در فضاهای خالی انجام پذیرد و یا حداقل این‌که با برخی مشاغل مزاحم (دیزل‌آباد) و تأسیسات نظامی جایگزین گردد تا شهر به سوی پیوستگی فضایی پیش رود. اما این مهم عملیاتی نشد و در مقابل، مسکن مهر در اطراف شهر در تمام جهات ساخته شد و پراکندگی شهری را فزونی بخشید. این نوع مداخله در فضا متناسب با شهر نبود و بر گسیختگی آن افزود.



عکس ۲- عدم توجه به زیرساخت و فضای عمومی در مسکن مهر شهرک پردیس

علاوه بر پراکندگی و عدم پیوستگی شهری، این شهرک‌ها از کمبود امکانات و دسترسی نامناسب رنج می‌برند. بنابراین ساکنان آن‌ها مجبورند برای تهیه حداقل نیازهای روزانه به مرکز شهر و یا شهرک‌های نزدیک مراجعه کنند. برای مثال ساکنان مسکن مهر

دانش و ظفر به بازار مسکن، دولت‌آباد به آزادی و بازار روز، کیهانشهر به بازار روز و پردیس به بازار فردوسی و مصدق جهت خرید مایحتاج خود مراجعه می‌کنند.

«می‌بینید که نه بازارچه‌ای و نه پارکی اینجا وجود ندارد. زن و بچه ما باید برای خرید به خیابان‌های دیگر بروند. حتی نانوايي نزدیکی هم نداریم... هیچ چیز در دسترس نیست. مسئولان هم به اینجا رسیدگی نمی‌کنند... تمام نیازهای ما از طریق بازار مسکن رفع می‌شود که فاصله‌اش خیلی زیاد است و باید دو مسیر ماشین‌سوار شویم تا به آنجا برسیم» (مرد ۴۰ ساله ساکن مسکن مهر دانش).

هویت محله‌ای در شهرک‌ها شکل نگرفته است. مشاهدات حاکی از آن است که مرکز خرید، پارک، خیابان، فرهنگسرا، ورزشگاه و بازار در هیچ کدام از شهرک‌های مدنظر ساخته نشده است. بنابراین فعالیت‌های جمعی نظیر پیاده‌روی، تفریح و سرگرمی، پرسه‌زنی، خرید و یا حتی ورزش در این محله‌ها وجود ندارد.

«مسکن مهر جایی برای تعامل ندارد. هر خانوار درون قفس خود حبس شده است و با همسایه خود غریبه است. نه فضای سبزی برای گفتگو و تعامل وجود دارد نه محیط فرهنگی‌ای برای بحث...» (زن ۲۷ ساله، ساکن مسکن مهر پردیس).

افراد در درون خانه‌های خویش محبوس‌اند. آن‌ها امکان در کنار هم بودن، دیدار و گزینش را ندارند تا از آن طریق بتوانند تعاملات اجتماعی را افزایش دهند.

فضای بازنمای (ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی جدید): علاوه بر مسکن مهر روندهای دیگری تحت عنوان رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی و معناسازی در شکل‌گیری فضاهای مسکونی شهری مؤثر بود. باوجود این‌که در برنامه مسکن مهر اولویت با فقرای شهری بود اما به‌مرور تعداد زیادی از آن‌ها طرد شدند. عده‌ای از افراد نتوانستند در ثبت‌نام اولیه شرکت کنند. برخی دیگر توانایی پرداخت قسط را نداشتند و انصراف دادند. آزاد شدن خرید و فروش واحدهای مسکن مهر زمینه را برای سوداگران

فراهم نمود که هر یک، چند واحد خریداری کنند و اجاره بدهند. بنابراین بازهم عده زیادی از فرودستان مغفول واقع شدند و هدف کلی طرح زیر سؤال رفت. فرودستان طردشده که هم از فضای رسمی شهر و هم از طرح دولتی مهر محروم شده بودند این محرومیت را با هجوم به حاشیه‌های شهر به‌ویژه روستاها جبران کردند.

کرناچی، دره‌دراز، نوکان و ده‌پهن طی چند سال جمعیت بسیاری از فقرای شهری را در خود جای دادند و مأمونی برای اقشار بی‌بضاعت شهر شدند. مالکان زمین‌های زراعی این روستاها که با تقاضای فقرای شهری روبرو شدند زمین‌های خود را با متراژهای مختلف قطعه‌بندی و به فروش رساندند. این روستاها به‌مرور رشد کرده و به بافت شهری ملحق شدند. در اوایل شکل‌گیری از هیچ‌گونه امکاناتی برخوردار نبودند اما تلاش‌های مضاعف ساکنانی که خود با جان و دل محله‌شان را وسعت دادند اندکی بدان حیات بخشید. تعاملات اجتماعی بالاست که دلیل آن به همبستگی‌های قومی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی مربوط می‌شود. و متأثر از فضاهای عمومی و مدرن شهری نیست. چنین وضعیتی بخشی از مشکلات زندگی روزمره را برای آن‌ها هموار می‌سازد. مشارکت اجتماعی نیز در مقایسه با مسکن مهر در سطح بالاتری قرار دارد. زیرا آن‌ها به طرق مختلف تلاش کرده‌اند تا برخی امکانات شهری مانند: داروخانه، پست‌بانک، درمانگاه، مدرسه، مسجدهای مردم‌نهاد، فضاهای فراغتی و مذهبی مانند حسینیه‌ها را فراهم سازند که نشان از اوضاع بسامان حاشیه‌ها نسبت به مسکن مهر دولتی است.

با این وجود مشکلات زیادی در این سکونت‌گاه‌ها وجود دارد. زیرساخت‌های شهری، امکانات رفاهی و خدماتی وجود ندارد. مهم‌ترین آن‌ها کمبود امکانات حمل‌ونقل عمومی و مناسب نبودن معابر است. مضاف براین پاسگاه‌های انتظامی در حاشیه‌ها حضور ندارند. در برخی سکونت‌گاه‌های غیررسمی مانند نوکان اراذل‌و‌اوباش تهدیدی برای امنیت اجتماعی هستند.

شکل‌گیری فضاهای مسکونی در کرمانشاه ... ۱۰۱

«نوکان یکی از ناامن‌ترین محلات کرمانشاه است که بیشتر ساکنان آن موادفروش و قاچاقچی هستند. این شهرک تا حدی بدنام و ناامن است که حتی ساکنان خود آن هم جرأت رفت‌وآمد در ساعاتی از شبانه‌روز را در آن ندارند چه برسد به این‌که غریبه‌ای در ساعاتی از شب از آن محله عبور کند چون احتمال جیب‌بری و خفت‌گیری خیلی بالاست» (مرد ۴۰ ساله، ساکن شهرک الهیه).

اما با وجود این شرایط نیز می‌توان گفت که حاشیه‌ها نسبت به مسکن مهر پویاترند و حیات شهری بیشتری در آن‌ها جریان دارد و از لحاظ کنش اجتماعی فرایند بهتری را طی کرده‌اند و زندگی روزمره در آن‌ها بیشتر در جریان بوده است.

«من این خانه را باجان و دل ساختم. تا حدی برایش زحمت کشیدم و وقت گذاشتم که وقتی استراحت می‌کنم احساس آرامش دارم. هرچند که قانونی ساخته نشده ولی یک آجرش را با یک قوطی کبریتی به اسم مسکن مهر عوض نمی‌کنم. همسایه‌هایمان را دوست داریم، گویی یک خانواده‌ایم» (مرد ۴۰ ساله ساکن شهرک کرناچی).

فرآیند بعدی معنادهی به مکان است که بیشتر در راستای انگ‌زنی به مسکن مهر و سکونت‌گاه‌های غیررسمی است. بنا به ماهیت محله انگ‌های متفاوتی در فضای ذهنی شهر ایجاد شد. در مسکن مهر دولت‌آباد انگ اخلاقی، نوکان انگ بزهکاری و خشونت و در ده‌پهن و کرناچی انگ فرودستی زده شد.

«اینجا بیشتر قشر ضعیف شهر ساکن‌اند. تعداد زیادی از ساکنان از طرف بهزیستی و کمیته امداد اینجا ساکن شده‌اند. به همین دلیل هم اسم مسکن مهر دولت‌آباد بد در رفته که بیشتر ساکنانی که از طرف کمیته امداد اینجا هستند، زنان بیوه و بی‌سرپرست هستند» (مرد ۳۵ ساله ساکن مسکن مهر دولت‌آباد).

معنادهی به مکان صرفاً در حیطه داغ‌ننگ نبود بلکه مسکن مهر پردیس به محله‌ای خوش‌نام تبدیل شد و طبقات متوسط در آن ساکن شدند.

عمل فضایی (اعمال اقتصادی و فراغتی): تجربه زندگی روزمره با عمل در فضا

تکمیل می‌شود و افراد در قیدوبند مکان‌های شهری و فضای ذهنی شهر قرار می‌گیرند. بنابراین کردارهای فضایی در جاهایی نه صرفاً در راستای تبعیت از نظم تکنوکرات‌ها بلکه به مقاومت علیه آن می‌پردازند، فضاهای مسکونی متفاوت، اعمال فضایی متفاوتی را نیز به دنبال دارند. کردارهای اقتصادی ساکنان حاشیه‌ها به‌گونه‌ای است که در بطن فضای زندگی‌شان رخ می‌دهد. از آنجاکه در ساخت این شهرک‌ها توازن و قاعده رسمی رعایت نشده است رفع نیازهای اولیه مانند خریدهای روزانه و... هم در همان‌جا ممکن است. چراکه تقریباً در کنار هرچند خانه یک مغازه کوچک وجود دارد که ساکنان با مراجعه به آن می‌توانند مایحتاج خود را تهیه کنند بنابراین کردار اقتصادی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی درون خود بافت صورت می‌گیرد. اما در مجتمع‌های دولتی مهر قاعده این‌گونه نیست چراکه در برنامه احداث این مجتمع‌ها همه‌چیز به‌صورت قانونی و رسمی و طبق ایده معماران و طراحان شهری انجام شده است بنابراین لازمه آن وجود بازارچه یا مرکز خرید دولتی جهت انجام کردارهای اقتصادی است که این قاعده در هیچ‌یک از چهار شهرکی که طرح مسکن مهر در آن‌ها اجرا شده رعایت نشده است و ما در هیچ‌یک از این شهرک‌ها مرکز خرید و یا بازارچه‌ای به‌صورت اختصاصی نمی‌بینیم. برای مثال ساکنان مسکن مهر ظفر و دانش برای خریدهای روزانه مجبور به مراجعه به بازار شهرک مسکن هستند و یا ساکنان مسکن مهر پردیس به بازار فردوسی و مدرس، ساکنان مسکن مهر دولت‌آباد به بازار اصلی دولت‌آباد یا بازار روز آزادی و ساکنان کیهانشهر به آزادی مراجعه می‌کنند. این جریان باعث شده است که آن‌ها مجبور باشند که هم مسافت طولانی‌ای را طی کنند و هم از طرفی بار جمعیتی عظیمی را بر بازار محلات دیگر وارد کنند. جریان زندگی روزمره تنها به اقتصاد برنمی‌گردد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های روزمرگی اوقات فراغت است، که نقش مهمی در تعامل اجتماعی و بازشناسی هویت دارد.

شکل‌گیری فضاهای مسکونی در کرمانشاه ... ۱۰۳

نهادها و فضاهای مدرن شهری این وظیفه را بر عهده‌دارند. نحوه گذران فراغت بیشتر برای روستاییانی که به شهرها مهاجرت می‌کنند مشکل‌ساز است چراکه آن‌ها با روابط غیر صمیمی و خشک در زندگی شهری مواجه می‌شوند و چون توانایی تحمل این شرایط را نداشته و با آن بیگانه‌اند به دنبال راهی برای مقابله با آن هستند که به طریقی بتوانند روابط اجتماعی خود را دوباره احیا کنند. این موضوع در سکونت‌گاه‌های رسمی مانند مسکن مهر برای ساکنان بسیار سخت و طاقت‌فرساست چرا که راهی برای مقابله با این فضای تحمیلی ندارند. برای مثال ما در هیچ‌یک از شهرک‌های بستر طرح مسکن مهر فضای سبز و پارک اختصاصی برای ساکنان این محلات نمی‌بینیم. ساکنان ساختمان‌های مهر محبوس شدگانی هستند که تنهایی و عدم تعاملشان با دیگران به عادت روزمره‌شان بدل شده است. چراکه راهی برای مقاومت در برابر این چارچوب بسته و همچنین بی‌کفایتی‌های برنامه‌های دولتی نداشته و اعتراض‌هایشان نیز تاکنون راه به‌جایی نبرده است. نه کوچه‌ای برای برخوردهای هرچند موقتی روزانه و نه بازارچه و مرکز خریدی برای حضور و تعامل با دیگری. اما در محلات حاشیه‌ای شهر داستان به‌گونه‌ای دیگر است. بیشتر کسانی که از نبود فضای فراغت در سکونت‌گاه‌های خود رنج می‌برند زنانی هستند که منشأ روستایی دارند. به روابط اجتماعی عمیق عادت کرده‌اند و نیازمند تعاملات بیشتری هستند. از طرفی بحث شد که فضای عمومی در این سکونت‌گاه‌ها وجود ندارد. در نبود چنین امکاناتی آن‌ها تاکتیکی را برای هموار کردن شرایط فراهم کرده‌اند که «کوچه نشینی» نام دارد.



عکس ۳- کوچه نشینی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی

زنان کوچه نشین بدون توجه به این‌که کارشان چه پیامدهایی برای شهر دارد و تا چه اندازه باعث زشت شدن چهره شهر می‌شود تنها هدفشان بازگشت به روابط اجتماعی‌ای است که در زندگی روستایی تجربه کرده‌اند و اکنون شهر این امکان را از آن‌ها گرفته است. کوچه نشینی زنان سبب تحکیم شبکه‌های اجتماعی، تسهیل روابط اجتماعی و افزایش اعتماد اجتماعی می‌شود. از طرفی کوچه نشینی پیامدهای منفی نیز دارد. برای مثال تعاملات در این سکونت‌گاه‌ها موجب گسترش سرمایه اجتماعی میان‌گروهی می‌شود. چون اکثر ساکنان محلات حاشیه‌نشین به‌صورت گروهی به شهر آمده‌اند و کولونی‌های قومی‌را بنانهاده‌اند که قبیله‌گرایی و تعصبات قومی را تشدید می‌کنند. همچنین شلوغی کوچه‌ها، سخت شدن رفت‌وآمد، نگاه‌های خیره به رهگذر همگی باعث زشت شدن چهره شهر می‌شود.

نتیجه‌گیری

کرمانشاه طی دو دهه اخیر نسبت به دهه‌های قبل رشد اندکی را در زمینه فضای شهری تجربه کرده است. برخلاف گذشته که رشد شهری به عواملی مانند اصلاحات ارضی و جنگ مربوط می‌شد در این سال‌ها رشد جمعیت ناشی از مهاجرت روستا به شهر است که می‌توان دلایلی مانند خشکسالی، جاذبه زندگی شهری و رشد طبیعی جمعیت را برای آن ذکر کرد. این رشد جمعیت سبب توسعه برون‌زا به صورت شهرک‌های پردیس، کیهانشهر، دولت‌آباد و سکونت‌گاه‌های غیررسمی ده‌پهن، کرناچی، نوکان و دره‌دراز شده است.

سه روند در شکل‌گیری فضای اجتماعی شهری نقش داشتند. نخست، به فضای اندیشیده شده در قالب طرح‌ها و سیاست‌های رسمی مربوط است. برخلاف سالیان گذشته طرح جامع تأثیری در این روند ندارد. دولت برای تأمین مسکن فقراى شهری در قالب مسکن مهر اقدام به این عمل کرد. اعطای مسکن به متقاضیان مشروط به شرایطی از جمله بومی بودن، نداشتن مسکن ملکی، پرداخت مبلغی به‌عنوان پیش‌قسط و اقساط بلندمدت بود که بنیاد مسکن مسئولیت ثبت‌نام از متقاضیان را بر عهده داشت. بعد از انجام این طرح مشکلاتی مانند برنامه‌ریزی از بالا، فرآیندهای یکدست‌کننده و انتزاعی، عدم توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی متقاضیان که در طرح جامع وجود داشت در مسکن مهر نیز وجود دارد. این طرح در کرمانشاه همراه با مکان‌یابی درستی نبود و کاملاً در راستای یکی از نقاط ضعف شهر که تکه‌پارگی بود پیش رفت و پیوستگی شهری را در وضعیت نامناسبی قرار داد. مسکن مهر به‌مثابه مداخله در فضای شهری از هیچ منطقی پیروی نمی‌کند و در درون هیچ پارادایم شهری قابل توصیف و یا تبیین نیست.

رابطه این طرح با تاریخ شهر گسیخته و ارتباطی ارگانیک به بافت‌های همجوار ندارد. دوم، فرودستان شهری که شانس مالکیت نداشتند به ناگزیر به فکر چاره برای

دسترسی به مسکن افتادند. آن‌ها سعی کردند که در ارزان‌ترین جای شهر مکانی را برای خود تهیه کنند که در این زمان روستاهای اطراف شهر که بعداً در حوزه شهری قرار گرفتند بهترین مکان بودند بنابراین شهرک‌های نوکان، کرناچی، ده‌پهن و دره‌دراز رشد یافتند. افراد رانده‌شده از بافت رسمی شهر و طرح مسکن مهر در رشد و گسترش این سکونت‌گاه‌ها نقش بسزایی داشتند چنانچه هم‌اکنون این شهرک‌ها مکان‌های به لحاظ جمعیتی متراکم و عاری از امکانات و زیرساخت‌های شهری هستند. این نوع مداخله در فضا غیررسمی و از پایین صورت گرفت. ارتباطات اجتماعی، عضوگیری و شبکه‌های اجتماعی در آن‌ها مبتنی بر خانواده و خویشاوندی است. در این روند معناسازی‌های گسترده‌ای در زندگی روزمره شکل گرفت که عمدتاً در راستای بدنام کردن بخش توسعه‌یافته شهر در دو دهه اخیر بود. چنانچه شهرک پردیس را جدا نمایم همه محلات پا گرفته در این دوره برجسب خوردند و در فضای اجتماعی شهر، خوش‌نام نیستند.

روند سوم کردارهای ساکنین بخش توسعه‌یافته شهر در دو دهه اخیر است که در بازتولید شرایط موجود نقش مؤثری داشت. در مسکن محیط بسته و تعیین‌شده است. همچنین نبود فضای فراغت، عدم برنامه‌ریزی برای محوطه‌سازی، مشکلات عبور و مرور، فاصله از مرکز شهر، نبود مرکز خرید مختص شهرک و عدم توجه به نیازهای فرهنگی سبب شده است که افراد در خانه‌های خویش حبس شوند. آن‌ها برای خرید و تهیه مایحتاج اولیه همچنان به مکان‌های موجود در شهر می‌روند. محله آن‌ها به‌مثابه خوابگاه است. اما در مقابل در سکونت‌گاه‌ها چون از ابتدا خود افراد نیز درگیر فرایند تولید فضا بوده‌اند و نظارت کمتری در آن وجود دارد زمینه بروز خلاقیت بسیار راحت صورت می‌گیرد به‌گونه‌ای که خود افراد اقدام به تولید فضای خرید (مغازه‌های کوچک) و فضای فراغت (کوچه نشینی) می‌کنند. کوچه نشینی کرداری فراغتی برای مقاومت در برابر کمبود امکانات و فضاهای عمومی است.

منابع

- اشמיד، کریستین. (۱۳۹۳)، «*نظریه هائری لفور درباره تولید فضا: به سوی دیالکتیکی سه‌بعدی*»، در فضا، تفاوت و زندگی روزمره، ترجمه: افشین خاک‌باز و محمد فاضلی، تهران: ترسا.
- اسدی، احمد. (۱۳۸۷)، ارزیابی سیاست‌های دولتی تأمین مسکن در مورد گروه‌های کم‌درآمد شهری. (مطالعه موردی شهر زنجان)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۹)، *سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی*، تهران: سازمان انتشارات اطلاعات و ارتباطات.
- آمایش سرزمین. (۱۳۹۶)، *نظام شهری*، سازمان برنامه‌وبودجه استان کرمانشاه.
- بیات، آصف. (۱۳۷۷) *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهیدستان در ایران*، ترجمه: اسداله نبوی، تهران: شیرازه.
- بیرانوند، مهسا. (۱۳۹۰)، *بررسی نقاط ضعف و قوت واگذاری مسکن مهر و ارائه راهکارهای اصلاحی برای نیل به اهداف تعیین‌شده*. (مطالعه موردی شهرستان خرم‌آباد)، دانشگاه پیام نور، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- داری‌پور، نادیا. (۱۳۹۴)، بررسی پیامدهای اجتماعی جدایی‌گزینی مکانی-فضایی مسکن مهر (مطالعه موردی شهر امیدیه)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز.
- الدن، استوارت. (۱۳۹۳)، «*سیاست فضا وجود دارد، زیرا فضا سیاسی است*» در درآمدی بر تولید فضای لفور، ترجمه: آیدین ترکمه، تهران: تپسا.
- زارع‌گاریزی، ایمان. (۱۳۹۳)، ارزیابی طرح مسکن مهر بر اساس معیارهای سکونت‌گاه‌های پایدار (نمونه موردی شهرک ابریشم شهرستان البرز)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب.
- سوندرز، پیتر. (۱۳۹۴)، *نظریه اجتماعی و مسئله شهری*، ترجمه: محمود شارع‌پور، تهران: تپسا.
- قلی‌پور و همکاران. (۱۳۹۲)، برنامه‌های توسعه و فضای شهری در کرمانشاه، *مجله مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۱۹، شماره ۲.
- قلی‌پور، سیاوش. (۱۳۹۵)، *دانشگاهی در خود و شهری بی‌نیاز: تأملی بر رابطه جامعه و دانشگاه در شهر کرمانشاه*، در دانشگاه رازی در بستر محلی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- قلی‌پور، سیاوش و همکاران. (۱۳۹۳)، بازگشت طردشدگان: ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کرمانشاه، *مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲۱، شماره ۱.
- قلی‌پور، سیاوش. (۱۳۹۱)، تولید اجتماعی فضا شهری در کرمانشاه، *پایان‌نامه دکتری*، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کریمی، جلیل؛ احمدی، وکیل و حامد، بیتا. (۱۳۹۶) «تهیدستان شهری: نگاهی تاریخی و جمعیت‌شناختی به حاشیه‌نشینی در کرمانشاه»، *دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال ششم، ش ۱۱.
- کلارک و کلارک. (۱۳۹۵)، *کرمانشاه شهری در ایران*، ترجمه: سیاوش قلی‌پور، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- مارشال، کاترین و راسمن، کرچمن. (۱۳۸۱)، *روش‌های تحقیق کیفی*، ترجمه: علی پارسائیان، سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مبین، همایون. (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل سیاست‌گذاری‌های عرضه مسکن اقشار کم‌درآمد در کشور با تأکید بر مسکن مهر. (نمونه موردی شهر سنندج)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.
- نقدی، اسدالله. (۱۳۸۶)، *حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی*، همدان: فن‌آوران.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۷۷)، «بنا کردن، سکنی گزیدن، اندیشیدن» در *فلسفه تکنولوژی*، ترجمه: شاپور اعتماد، تهران: مرکز.
- Crap, J. (2008). Grounding-Truthing' Representation of Social Space: using Lefebvre Triad, in *Journal of Planing Education and Reaserch* 28: 129-142.
- Harvey, D. (1990). *The Condition of Postmodernity*, Cambridge, Blackwell.
- Lefebvre, H. (1971). *Everyday Life in the Modern World*, London, Allen LaneThe Penguin Press.
- Lefebvre, H (1976), *The Survival of Capitalism* (Allison and busby, London).
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*, Oxford, Blackwell.
- Lefebvre, H. (2009). *state, space, Word, Selected Essays*, Edited by Neil Brenner and Stuart Elden, Translated by Gerald Moore, Neil Brenner, and Stuart Elden, University of Minnesota Press.
- Merrifield, A (2006). *Henry Lefebvre*, London, Routledge.
- Zieleniec, A. J. L. (2007). *space and Social theory*, Sage Publications.